



سرودهای زرتشت

برگردان به فارسی

موبد رستم شهزادی

گردآوری و تنظیم به اوستایی و لاتین

آرمین کسروی

اشو زرتشت

می فرماید: بیاییم از کسانی شویم که این جهان را تازه و نو می گردانند.

فهرست

۳	پیش از آغاز
۴	هات ۲۸
۱۵	هات ۲۹
۲۶	هات ۳۰
۳۷	هات ۳۱
۵۹	هات ۳۲
۷۵	هات ۳۳
۸۹	هات ۳۴
۱۰۴	هات ۴۳
۱۲۰	هات ۴۴
۱۴۰	هات ۴۵
۱۵۱	هات ۴۶
۱۷۰	هات ۴۷
۱۷۶	هات ۴۸
۱۸۸	هات ۴۹
۲۰۰	هات ۵۰
۲۱۱	هات ۵۱
۲۳۳	هات ۵۳

به خشنودی اهورامزدا

پیش از آغاز

گات ها از کهن ترین و سپنتا ترین بخش های اوستاست که از خود اشو زرتشت به یادگار مانده. گات ها جمع گات به چم سرود یا شعر و گفتار منظوم است. گات در زبان پهلوی به گاس تبدیل شده و به فارس گاه گوئیم. در علم موسیقی امروزی ایران هنوز واژه گاه به معنی آهنگ یا نت موسیقی باقی مانده، مانند سه گاه و چهار گاه. در زبان سانسکریت، گات به صورت گیت git در آمده که بعدها به عربی جیت یا جید تلفظ می شود و تجوید به معنی خواندن قرآن با آهنگ و وزن می باشد. به طور کلی کهن ترین ادبیات هر قومی را سرود یا شعر یا مناجات تشکیل می دهد، زیرا مردم می توانند شعر و ترانه و سرود را به آسانی از بر کنند و به خاطر بسیارند. ادبیات منثور بعدها پیدا می شود که آن هم پس از پیدایش خط و نوشتار به وجود می آید. بنابراین اهمیت و تقدس گات ها در میان ایرانیان از روزگار بسیار باستان شناخته شده بود، به طوری که اوستاهای بعدی همه آیات گات ها را به نیکی و احترام نام می برند، از جمله در یسنای ۵۷ که به نام ستوت یشت معروف است آمده: " ما می ستاییم کسی که برای نخستین بار گات های اشو زرتشت را بسرود" در وندیداد که کتاب فقهی دین زرتشتی است، در فرگرد ۱۹ بند ۳۸ از پنج گات های زرتشت یاری می طلبد و در نخستین کرده ویسپرد نیز از گات های زرتشت به طور جداگانه نام می برد و به هر یک درود می فرستد. یکی از دلایل تقدس زیاد و اهمیت فوق العاده گات ها، از میان دیگر بخش های اوستا، این است که تمام اصول دین و آموزش های کیش زرتشتی در آن گنجانیده شده است، گرچه دیگر بخش های اوستا را نمی توان از نقطه نظر یادگارهای کتبی فقهی و تاریخی و علمی و حماسی و آیینی کم اهمیت تر دانست، ولی هیچ کدام از لحاظ دارا بودن مفاهیم و معانی ژرف خدانشناسی و بیان دلکش و ارزش مینوی به پای گات ها نمی رسند. به راستی می توان گفت که گات های اشو زرتشت کتاب اصول دین زرتشتی و بخش های دیگر اوستا فروع دین و شریعت و فقه زرتشتی است. گات ها دارای پنج بخش است که روی هم به هفده "ها" یا "هات" تقسیم شده است و چون نگینی در میان یسنا جای دارد. گات های پنج گانه عبارتند از:

۱- اهنودس (دوم) شامل هفت هات ۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴

۲- اشتود (دوم) شامل چهار هات ۴۳-۴۴-۴۵-۴۶

۳- سپنتمدرو (سه) شامل چهار هات ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰

۴- وهوخشتر (یک) شامل یک هات ۵۱

۵- وهیشتوایشتی (یک) شامل یک هات ۵۳

کتاب های دیگر اوستا عبارتند از:

۱- یسنا (دوم)

۲- ویسپرد (دوم)

۳- یشت ها (سه)

۴- وندیداد (یک)

۵- خرده اوستا (یک)

پنٔ سوم

سوم. واسه. مویسه. اوله دنداره. مومده مومسه.

manascā ufyānī ašā wā yē

واکسجه. مومده داوره. مومده مومسه. مومده مومسه.

ahurēm mazdāmcā apaourwīm wohū

مومده مومده. مومده مومده مومسه. مومده مومده مومسه.

aγžaoṇwamnəm xšaθrəmcā yaēibyō

واکسجه مومده. مومده مومده. مومده مومده.

ā-mōi ārmaitiš warədatī

مومده مومده. مومده مومده. مومده مومده.

jasatā zawəṅ rafədrāi

نفستین پیامبر یکتا پرستی. اشو زرتشت است

**ای اهورامزدا-من این سرود های ستایش خود را آن سان که
پیش از این کسی نسروده است. نیازت می کنم-ای روان
راستی و ای نیک اندیش واقعی- از تو درخواست می کنم تا
در جهان. نیروی فنا ناپذیر معنوی ات پرتو افکند. اینک که تو
را با ستایش خود فرا می خوانم. به سویم شتاب و مرا از
خوشبختی و کامیابی راستین برخوردار ساز.**

بند چهارم

س	اورسانم	م	ع	س	و	س
wohū	gairē	mān	urwānəm	yē		
و	س	س	س	س	س	س
ašīscā	manaṅhā	haṭrā	dadē			
س	س	س	س	س	س	س
ahurahyā	mazdā	wīduš	šyaoθananam			
س	س	س	س	س	س	س
tawācā	isāi	yawaṭ				
س	س	س	س	س	س	س
ašahyā	aēšē	xsāi	awaṭ			

هنگامی که با منش پاک. تو را با سرود های ستایش فرا می خوانم. آگاه هستم که مرا برای رهبری روان مردم جهان گماشته ای و از پاداشی که تو ای مزدا اهورا برای کردار نیک می بخشی خبر دارم و آماده ام تا زمانی که مرا تاب و توان است. به مردم بیاموزم که به سوی راستی راه پویند.

بند پنجم

منیچس. وسچ. ککس. وداغدسزب. همددس.

manascā darēsānī ūβā kaṭ ašā

ککس. کاسچووعزب. لاسمچس. سسواس.

ahurāi gātūmcā waēdōmnō wohū

ددووسم. دداسچس. همدس.

mazdāi sēraoṣəm sōwīštāi

دس. هچوکس. همدس.

mazištəm maṭrā anā

کاسدازدهدروپ. ککسدماس. سسواس.

hizwā xrafstrā wāurōimaidī

**ای راستی کی به تو خواهم رسید؟ کی مانند دانایی از بخشش
منش پاک خشنود خواهم شد؟ چه وقت به فرمان برداری از
ندای دل و وجدان. به سوی تو راه خواهم یافت؟ کی خواهم
توانست با زبان خویش و با بیان روشن
آیین مقدس تو را به جهانیان بفهمانم؟ چه وقت توان آن را
خواهم داشت که جنگ جویان و بدخواهان و راهزنان و
گمراهان را به سوی راهی که از همه بهتر و برتر است
رهبری کنم؟**

بند ششم

وادی	وادی	وادی	وادی
dāidī	manaḥā	gaidī	wohū
تو	تو	تو	تو
tū	ərəṣwāiš	darəgāyū	aṣā-dā
تو	تو	تو	تو
zaraṭuštrāi	mazdā	uxdāiš	
ahurā	ahmaibyācā	rafənō	aojōṅhwaṭ
تو	تو	تو	تو
taurwayāmā	dwaēṣā	daibiṣwatō	yā

**ای مزدا به سوی من آی و مرا از بخشش منش پاک و راستی
 برخوردار ساز- از تو می خواهم که به من زندگی دراز و
 نیروی سرشاری از مادی و معنوی ارزانی داری تا بتوانم بر
 کینه بدخواهان و دشمنی دشمنان راه تو پیروز گردم.**

پند هشتم

وَسَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .	سَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .
waṇhēuš	ašīm	taṃ	ašā	dāidī
سَدَدَسَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .	مَدَوِيْ .
tū	dāidī	manaṇhō	āyaptā	
سَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .	سَدَوِيْ .
maibyācā	išəm	wištāspāi	ārmaitē	
وَسَدَدَسَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	مَجُوْ .	سَدَوِيْ .
yā	xšayācā	mazdā	dāstū	
وَ .	وَ مَدَوِيْ .	سَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .	وَ مَدَوِيْ .
ārādā	srəwīm	maṭrā	wē	

ای اشا بهترین راستی را به من آشکار ساز - ای آرمینیتی
خواهش و آرزوی مرا نسبت به گشتاسب شاه برآورده ساز. ای
مزدا - ای سرور من، چنان کن که پیامبر تو بتواند پیروانی
برای خود فراهم سازد تا به یاری آنان فرمان مقدست را در
جهان بگستراند.

پند هشتم

وادی دینم سده	و کوه سده	وادی دینم سده	و سده
wahištēm	ūβā	wahištā	yēm
دی سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده	و سده
ašā	wahištā	hazaošəm	ahurem
وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده
wāunuš	narōi	fərašoštṛāi	
وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده
maibyācā	yaēibyascā	īt	rānhaṅhōi
وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده	وادی دینم سده
wīspāi	yawē	wanhēuš	mananḥō

ای اهورا- ای بهتر از همه و ای اشا. ای کسی که پیوسته با بهترین راستی هم اراده ای. آرزوهای مرا و همه یارانم از جمله نامور فرشوستر و کسانی را که اراده کنی برآورده ساز تا همه از بخشش نیک اندیشی در این جهان و بهشت جاودان در جهان دیگر برخوردار شویم.

پند نهم

.مدرسدرد. واسع. رگ رچ. مدن و اسد. مدسج مدسج مدسج.
ašəmcā mazdā ahurā nōiṭ wā anāiš
.مدرسدرد. مدسج مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج. مدسج مدسج.
hyaṭ manascā zaranaēmā yānāiš
.مدرسدرد مدسج مدسج. واسع. مدسج مدسج مدسج.
yoiṭəmā wē yoi wahištəm
.مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج.
zəwīštyaṅhō yūžēm stūtəm dasēmē
.مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج. مدسج مدسج مدسج.
sawanjham xšaṭrəmca iṣō

**ای اهورامزدا- مبادا هرگز کار ناشایستی از من سرزند که
مورد خشم تو قرار گیرم. ای راستی و ای سرچشمه پاک منشی
پیوسته می گویم تو را بستایم- ای کسی که آرزوهای ما را بر
می آوری- تو را از ته دل درود می گویم . چه می دانم نمازی
که از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام گیرد به درگاهت
پذیرفته خواهد شد- ای کسی که امید بهشت ما به سوی
توست.**

پند دهم

مد. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 woistā ašāatcā yəṅg at
 و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 manarhō dāvəṅg warhəušcā
 و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 aēibyō ahurā mazdā ərəvβəṅg
 و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 wē at kāməm āpanāiš pərənā
 و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 waēdā asūnā xšmaibyā
 و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس. و سس.
 srawā waiṅtyā x^waraiṅyā

ستایشی که با فلوص نیت همراه باشد به درگاه پروردگار پذیرفته می شود.

**ای مزدا اهورا. کسانی را که با درستی عمل و خلوص نیت
 ستایش تو را به جا می آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را
 برآورده فرما. چه به خوبی می دانم ستایشی که بدون ریا و
 عمل درست به درگاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب
 نیک خود را بروز خواهد داد.**

پند یازدهم

و س .	س د د .	د ی ی .	د ی ی .	و س د د د .
manascā	nipāṅhē	aṣem	āiš	yē
و ک د ی .	و س د د د ی ی .	و س د د د .	و س د د .	و س د د .
mazdā	twēm	yawaētāitē	wohū	
د ی د ا س .	د ی ی ی .	د ی ی ی .	و ک د ی د ی ی .	و ک د ی د ی ی .
ūβahmāt	sīšā	frō-mā	ahurā	
و ک د ی د ی ی ی .	و س د د د ی ی .	و س د د د ی ی .	و س د د د ی ی .	و س د د د ی ی .
ēaṅhā	ūβā	hacā	manyēuš	waocaṅhē
و س د د ی ی .	و س د د ی ی .	و س د د ی ی .	و س د د ی ی .	و س د د ی ی .
bawaṭ	pouruyō	aṅhuš	ā	yāiš

از روی ستایش درست می توان به فدا رسید و به حقیقت دست یافت.

چون از راه خلوص نیت و ستایش درست می توان به خدا که اصل راستی و پاک منشی است دست یافت. پس ای مزدا اهورا با نیروی خرد و کلام خویش مرا آگاه فرما که در روز نخست. این آفرینش چگونه هستی یافته و پایان آن چگونه پیش خواهد آمد تا من آن را به درستی به مردم بیاموزم.

پسنا - هات ۶۹

بنت یکم

دسپسندردسد.	دسپسندردسد.	دسپسندردسد.	دسپسندردسد.
gerəždā	urwā	gəuš	xšmaibyā
وسسوسد.	وسسوسد.	وسسوسد.	وسسوسد.
tašaṭ	kā-mā	ūβarōždūm	mā kahmāi
س-سد.	س-سد.	س-سد.	س-سد.
rəmō	hazascā	aēšomō	ā-mā
سوسپسندسد.	سوسپسندسد.	سوسپسندسد.	سوسپسندسد.
təwišcā	dərəšcā	āhišāyā	
دسپسندسد.	دسپسندسد.	دسپسندسد.	دسپسندسد.
anyō	xšmaṭ	wāstā	mōi nōiṭ
دسپسندسد.	دسپسندسد.	دسپسندسد.	دسپسندسد.
wāstryā	wohū	sąstā	mōi aṭā

پښتنی وضع مردمان بهان پیش از برگزیده شدن اشو زرتشت

روان آفرینش (یا روح موجودات جهان) به درگاه آفریدگار به

دادخواهی می پردازد و می گوید:

**پروردگارا برای چه مرا آفریدی؟ چرا به من پیکر هستی
بخشیدی؟ خشم و ستیز و کینه و زور مرا به ستوه آورده و
برای من به جز تو دادرسی نیست. از تو درخواست می کنم.
برایم یاور و نجات دهنده ای فرستی تا بتواند زندگانی آسوده
و خرمی به من بخشد.**

پند دوم

دوسد.	م دسجسد.	ل (د) دسد.	ل (د) دسد.	دسجسد.
aṣəm	perəsaṭ	gəuš	tašā	adā
وسدسد.	م دسد.	ل دسد.	ل دسد.	ل دسد.
ratuš	gawōi	tōi	kaṭā	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
xšayaṇtō	dātā	hīm	hyaṭ	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
ṭβaxšō	gaodāyō	wāstrā	hadā	
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
yā	ahurəm	uštā	hōi	kēm
س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.	س دسد.
wādāyōiṭ	aēṣəməm	drəgwōdəbīš		

آن گاه آفریدگار جهان از اشا (که مظهر ضمیر پاک و هنجار آفرینش اهورامزداست) پرسید: چه کسی را تو به عنوان رهبر و نجات دهنده مردمان جهان می شناسی تا او را یاور و پشتیبان باشد تا ما به او نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی بخشیم؟ ای اشا چه کسی را به عنوان پیشوا و رهبر مردمان جهان معرفی می کنی که بتواند سپاه بدکاران و گمراهان را در هم شکنند و خشم و نفرت را از جهان و جهانیان دور سازد.

پند سوم

دسوسد.	دسوسد.	دسوسد.	دسوسد.
sarəjā	nōiṭ	ašā	ahmāi
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
paitī-mrawaṭ	gawōi	adwaēṣō	
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
yā	wīduyē	nōiṭ	awaēṣam
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
ərəṣwāṅhō	ādrēṅ	ṣawaitē	
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
yahmāi	aojištō	hwō	hāṭam
دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.	دووسدسوسد.
kərəduṣā	jimā	zawōṅ	

سپس اشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد: آن پیشوا و رهبری که برای جهانیان برگزیده خواهد شد. نباید چون سلطانی بیدادگر و زورگو باشد. بلکه باید دادگر و مهربان باشد. ولی من در میان کسانی که در این جهان به سر می برند کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر ستم پیشگان یاری کند. در واقع چنین کسی باید بسیار نیرومند باشد تا ما بتوانیم به موقع به یاریش برخیزیم.

پند چهارم

و مدیوسم.	دندسرسا.	و مداددسج.	وسرس-زی.
mazdā	sax ^w ārē	mairištō	yā-zī
واسدو (ایزی).	و مدای-مردو چ.	و مدو و سدو سدس.	
wāwərəzōi	pairī-ciθīt	daēwāišcā	
و مدو و سدو سدس.	وسرسس.	و مدای و سدس.	
mašyāišcā	yācā	warəšaitē	
مدو چ-مردو چ.	و و و.	و چ مدو چ.	مدو چ-و.
aipī-ciθīt	hwō	wīcirō	ahurō
مدو و چ.	وسر مدو چ.	و و و.	و مدو چ.
aṇhaṭ	yaθī	hwō	wasat

دنبال پاسخ اشا

ای مزدا تو خود از همه بهتر می دانی که در گذشته چه کارهای ناشایستی از بدکاران و هواخواهان آنان سرزنده است یا در آینده سر خواهد زد. پس برای این ماموریت بزرگ یعنی رستگاری مردمان جهان اراده تو به هر که تعلق گیرد بدان خرسندم.

بند پنجم

.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
ahwā	ustānāiš	wā	aṭ
.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
ā	ahurāi	frīnəmnā	zastāiš
.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
hyaṭ	azyā	gəušcā	urwā mē
.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
fərasābyō	dwaidī	mazdām	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
frajyāitiš	ərəžəjyōi	nōiṭ	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.	.س.س.س.س.س.س.س.س.س.س.
pairī	drəgwasū	fšuyentē	nōiṭ

**بنابراین من و روان آفرینش با دستهای برافراشته از تو
خواستاریم که مبادا هرگز نیکوکاران دچار رنج و آزار شوند
و به پارسایان و کارگران درست کار از سوی بدخواهان رنج و
آسیب رسد یا بر آن ها غالب شوند.**

پنجم ششم

مذ.	. وادکرمذ.	مهورا.	. وادیوسم.
mazdā	ahurō	waocaṭ	ē aṭ
. وادیوسم.	. وادکرمذ.	. وادیوسم.	. وادیوسم.
nōit	wyānayā	wafuš	wīdwā
. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.
ratuš	naēdā	wistō	ahū aēwā
. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.
zī	aṭ	hacā	ašācīt
. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.
wāstryāicā	fšuyantaēcā	ūβā	
. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.	. وادیوسم.
tatašā	ūβōrəštā		

آن گاه اهورامزدا که همه چیز را از خرد خویش در می یابد
 خطاب به اشا و روان آفرینش گفت: آیا یک رهبر دنیوی
 شایسته یا نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و راستی
 باشد نمی شناسی که من او را به عنوان پاسبان و نگهبان
 آفرینش بر گزینم و ماموریت آرایش جهان را به او سپارم.

بنت هتم

. ۴۴	. ۴۳	. ۴۲	. ۴۱
maθrēm	ahurō	āzūtōiš	tēm
. ۳۹			
. ۳۸			
. ۳۷			
. ۳۶			
. ۳۵			
. ۳۴			
. ۳۳			
. ۳۲			
. ۳۱			
. ۳۰			
. ۲۹			
. ۲۸			
. ۲۷			
. ۲۶			
. ۲۵			
. ۲۴			
. ۲۳			
. ۲۲			
. ۲۱			
. ۲۰			
. ۱۹			
. ۱۸			
. ۱۷			
. ۱۶			
. ۱۵			
. ۱۴			
. ۱۳			
. ۱۲			
. ۱۱			
. ۱۰			
. ۹			
. ۸			
. ۷			
. ۶			
. ۵			
. ۴			
. ۳			
. ۲			
. ۱			

**اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می دهد: مگر این سرود
مینوی خوشبختی افزا (اهونور) را که یگانه سرود آرامش بخش
دلها و اراده اش با اشا یکسان است برای پیشرفت جهان و
مردمان درست کردار نبخشیده ام. آن گاه اهورامزدا خطاب
به وهومن یا خرد مقدس خویش کرد و گفت: ای وهومن
کیست آن رهاننده ای که تو بر خواهی گزید تا بتواند مردمان
را یاری کند و از گمراهی برهاند؟**

بنت نهم

دعوت شد.	و فرستاد.	و آورد.	و آمد.	و رفت.
yē	raostā	urwā	gēuš	aṭcā
دست برداشته شد.	و دست برداشته شد.	و دست برداشته شد.	و دست برداشته شد.	و دست برداشته شد.
rādēm	xšānmēnē	anaēšēm		
و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.
ā	yēm	asūrahyā	nērəš	wācēm
و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.
xšaṭrīm	išā	wasēmī		
و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.
yē	aṅhaṭ	hwō	yawā	kadā
و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.	و آمد.
awō	zastawaṭ	dadaṭ	hōi	

آن گاه روان آفرینش با بانگ بلند فریاد زد: آیا من باید بدون چون و چرا، رهبری و پشتیبانی چنین شخصی ناتوانی را بپذیرم و به سخنان او گوش دهم؟ در صورتی که من در آرزوی فرمانده و سرداری توانا و سلحشور بودم تا بتواند با بازوان نیرومند خود مرا یاور و پشتیبان باشد.

بند یازدهم

و اوسد. سدیعی. واکس و اوسد. سدیعی. سدیعی (اوسد).

xšaθrəm cā manō wohucā ašəm kudā

سدیعی. سدیعی. سدیعی. سدیعی. سدیعی.

mazdā yūžəm mašā mā aṭ

سدیعی (سدیعی). سدیعی. سدیعی. سدیعی.

ā magāi mazōi frāxšnənē

سدیعی (سدیعی). سدیعی. سدیعی. سدیعی. سدیعی.

awarē nū-nā ahurā paitī-zānatā

سدیعی (سدیعی). سدیعی. سدیعی. سدیعی. سدیعی.

yūšmāwatəm rātōiš ēhmā

دنباله تقاضای روان آفرینش

**ای مزدا- کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینوی به ما
روی خواهد کرد؟ کی انجمن مغان و پیشوایان دین. آیین تو را
خواهند پذیرفت. اینک که یاور و پشتیبانی برایم برگزیده ای.
آماده ام. او را بپذیرم و خوشنودی او را فراهم سازم.**

پند دوم

دانا گم سدا. و اویچ سدا و اوسه دی سدا.

wahištā gəušaīš sraotā

مدا و اویچ اوسه سدا. دد م سدا. و اوسه دی سدا.

manarhā sūcā awaēnatā

سدا و اوسه سدا. و اوسه دی سدا. و اوسه دی سدا.

narēm wiciŋahyā āwarəṇā

اوسه دی سدا. سدا و اوسه سدا. م سدا و اویچ.

tanuyē x^wahyāi ɳarəm

اوسه سدا. و اوسه دی سدا. و اوسه دی سدا.

ahmāi yāṅhō mazē parā

اوسه دی سدا. و اوسه دی سدا. و اوسه دی سدا.

paiti baodaṅtō sazdyāi nē

اشه زرتشت مردم را در انتساب راه فیر و شر آزاد گذارده است.

ای مردم بیایید بهترین گفتار را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و پیش از آن که فرصت از دست برود هر مرد و زن باید به شخصه میان راه درست (مزدآپرستی) یا نادرست (دیوپرستی) یکی را برگزیند. بشود که به یاری مزداهورا در گزینش راه درست کامیاب شوید.

پند سوم

ی‌ا	پورویه	مایو	تا	اژ
yā	pouruyē	mainyū	tā	aṭ
اسرواتم	خافنا	یما		
asrwātēm	x ^w afēnā	yēmā		
شیاوانی	واحیا	ماناحیا		
šyaoṭanōi	wacahicā	manahicā		
اکمکا	واهیو	هی		
akemcā	wahyō	hī		
اوش	هودانگو	اسکا		
erēš	hudāṅhō	āscā		
دوژدانگو	نویژ	ویژیاتا		
duždāṅhō	nōiṭ	wīšyātā		

و بود دو نیروی همزادی که در آخرینش لازم و ملزوم یکدیگرند.

آن دو نیروی هم زادی که در آغاز در اندیشه آدمی پدیدار شدند. یکی سپنتا مینو یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری انگره مینو یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو، دانا نیکی را برمی‌گزیند و نادان بدی را.

بند چهارم

مژدس . یزدسد . مسد . هس . سدژد .
 mainyū hēm tā hyaṭ aṭcā
 دزد . سدس . سدس .
 dazdē paourwīm jasaētəm
 سدس . سدس . سدس .
 yaḏ'ācā ajoyāitīmā gaēmācā
 سدس . سدس . سدس .
 aṅhuš apēməm aṅhaṭ
 سدس . سدس . سدس .
 aṭ drəgwatəm acištō
 سدس . سدس . سدس .
 manō wahištəm aṣāunē

تار این دو نیروی همزاد

**هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند. هستی و نیستی
 (حرکت و سکون) پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین
 زندگی. و وضع روانی. بهره پیروان بدی. و بهترین زندگی و
 خوشبختی. پاداش پیروان نیکی است.**

بنا پنجم

دردسب.	و دوردوسب.	و ا ددمسد.	وسف.
yē	waratā	maniwā	āyā
و ا ع ووسب. دوردوسبسد. و ا ع ا ع و د د ج.			
wərəzyō	acištā	drəgwā	
د س ع ع.	و دوردوسب.	د د ع ا دوسب ج.	وسف.
yē	spēništō	mainyuš	ašəm
د ا د ک و دوسب ع ع. د د ع ا ج. و ا د د ع ع.			
wastē	asēnō	xraoždīštəng	
وسد ع ع رسد. د س ع ا د ک ع ع ا ج. د س و ا ع ع. س و د ا د ک د د دوسب.			
haiṭyāiš	ahurəm	xšnaošən	yaēcā
س و د د ک ا د ک دوسب. د ا د ک ا ع ع. و س و ع ع ع.			
mazdām	fraorət	šyaoṭanāiš	

بدان از رهی نادانی نیک را از بد نمی توانند تمیز دهند.

از میان این دو نیروی هم زاد. نادان زشت گرا بدترین کردار و خردمند راست گرا. که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است. نیکی را که با خرد مینوی و ایزدی آراسته است. بر می گزینند.

بند ششم

دردسم.	(ا)د.	وایسوردسم.	
wišyātā	erəš	nōit	āyā
ویدووسردسم.	س-وایردسم.	سردسم.	سردسم.
ā-dəbaomā	iš	hyaṭ	daēwācinā
سردسم.	سردسم.	سردسم.	سردسم.
hyaṭ	upā-jasaṭ	pərəsmanəṅg	
سردسم.	سردسم.	سردسم.	
manō	acištem	wərənātā	
سردسم.	سردسم.	سردسم.	سردسم.
hēṇdwāreṇtā	aēšəməm	aṭ	
سردسم.	سردسم.	سردسم.	سردسم.
marətānō	ahūm	baṇayən	yā

در انتساب راه نیک از بد، نباید قول خریب کاران را فهرد

از میان این دو نیرو، نادانان چون نمی توانند نیک را از بد تمیز دهند، در هنگام مشورت با بداندیشان و فریبکاران، دیو فریب فرا رسد و آنان را به گزینش زشت ترین اندیشه و ادار سازد و سپس برای انجام کار زشت ناگزیر به سوی خشم و زور روی آورند و بدین وسیله زندگی آدمیان را به تباهی کشانند.

بنت هشتم

jasat	xšaθrā	ahmāicā		
ašācā	wohū	manarhā		
utayūitiš	kəhrpēm	aṭ		
aṇmā	ārmaitiš	dadāt		
yaθā	aṇhaṭ	ā	tōi	aēšam
pouruyō	ādānāiš	ayanhā		

بنابر قانون ازلی پروردگار، نیکی پاداش نیکان و بدی سزای بدان است.

کسانی که از نیروی ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند و فرشته مهر و دوستی در وجود آنان راه یافته باشد، در انتخاب راه نیک کامیاب می شوند و به پاداش آن، در دو جهان بهره نیک یابند.

بند هشتم

سپاسد.	سرسوسد.	سپسپس.	وسسوسد.
kaēnā	aēṣṣam	yadā	aṭcā
سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.
mazdā	aṭ	aēnaṣṣam	jamaitī
سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.
manaṣṣhā	wohū	xṣaṭṣrem	taibyō
سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.
sastē	aēibyō	wōiwīdāiti	
سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.
aṣṣāi	yōi	ahurā	
سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.	سپسپس.
drujəm	zastayō	dadən	

هلی در پایان، نیکی بر بدی پیره می شود و رستافیز خرا می رسد.

هنگامی که کیفر اهورایی بر گناه کاران فرا رسد و بدان به جزای زشت خود رسند. آن گاه جهان را نیروی پاک منشی فرا خواهد گرفت و با پیروی از راه ایزدی، در پایان، بدی به دست نیکی شکست می خورد و دروغ به بند راستی در می آید.

بند نهم

مذموم	و اوست	سزاد	و	سزاد
yōi	hyāmā	waēm	tōi	aṭcā
مذموم	و اوست	سزاد	و	سزاد
ahūm	kərənāun	fərašēm	īm	
مذموم	مذموم	مذموم	مذموم	مذموم
ā-mōyastrā	ahurānḥō	mazdāscā		
مذموم	مذموم	مذموم	مذموم	مذموم
haṭrā	hyaṭ	ašācā	baranā	
مذموم	مذموم	مذموم	مذموم	مذموم
yaṭrā	bawaṭ	manā		
مذموم	مذموم	مذموم	مذموم	مذموم
maēṭā	aṅhaṭ	cistiš		

بشود که ما از زمره رستافیز کنندگان جهان باشیم و به رهبری دیگران پردازیم.
ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادی و مردم را به سوی راستی و پارسایی ره نمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل و عاطفه) به سرچشمه دانایی پی بریم.

پند دهم

دوس-زیه. دوسه. واکړی. دوی.	awō	drūjō	awā	adā-zī
د دوسه د زوی. د دوسه د زوی. د دوسه د زوی.	spayaṭrahyā	skəṇdō	bawaitī	
د دوسه د زوی. د دوسه د زوی. د دوسه د زوی.	yaojaṇtē	asištā	aṭ	
د دوسه د زوی. د دوسه د زوی. د دوسه د زوی.	manəḥō	waṇhəuš	ā-hušiṭōiš	
د دوسه د زوی. د دوسه د زوی. د دوسه د زوی.	yōi	ašahyācā	mazdā	
د دوسه د زوی. د دوسه د زوی. د دوسه د زوی.	srawahī	waṇhāu	zazəṇtī	

بدکاران تا به سزای بدی فود نرسند. به راه راست گرایش نمی کنند.

بدکاران پس از رسیدن به سزای زشت خود پشیمان می شوند و اندیشه و دل آنان به سوی نیکی خواهد گرایید و آن گاه اشا و خرد پاک به یاری آنان می شتابد و در گزینش راه درست به آنان یاری می دهد.

بنت یازدهم

سودد س.	اوسد س.	س.	سودد س.
sašaṽā	urwātā	tā	hyaṭ
سوسد.	وسد س.	سوسد س.	سوسد س.
mašyānhō	dadāt	mazdā	yā
سودد س.	سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.
hyaṭcā	ēnəitī	x ^ʷ iticā	
سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.
rašō	drəgwōdəbyō	darəgēm	
سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.
aṭ	ašawabyō	sawacā	
سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.	سوسد س.
uštā	aṅhaitī	tāiš	aipī

بهشت یا دوزخ هر کس در این جهان در دست خود اوست

ای مردم اگر از قانون ازلی که مزدا برقرار داشته است. آگاه می شدید و از خوشی و پاداش نیک راستی و رنج و پادافره زشت کژی در این جهان و سرای دیگر با خبر می شدید آن گاه کاری می کردید که همیشه روزگارتان به خوشی بگذرد.

پند دوم

وَسْرَسْرِيْـَٔ	سَدَسْدِـَٔ	نَوِيْـَٔ	اَوْرَسْرِيْـَٔ
yezī	āiš	nōiṭ	urwānē
مَدَوْرَسْـَٔ	مَدْرِيْـَٔ-وَعِـَٔ	اَعِيْـَٔ	وَاَسْرَسْرِيْـَٔ
ādwā	aibī-dərəštā	wahyā	
مَدْـَٔ	وَاَسْـَٔ	وَاَبَدَدَرَسْرِيْـَٔ	سَدَدْرِيْـَٔ
aṭ	wā	wīspəng	āyōi
وَسْرَسْرِيْـَٔ	اَسْمَدْـَٔ	سَدَدْرِيْـَٔ	
yaṭā	ratūm	ahurō	
وَاَسْرَسْرِيْـَٔ	مَدِيْـَٔ	مَدْرَسْـَٔ	مَدَدَدْرَسْـَٔ
waēdā	mazdā	ayā	aṣayā
وَسْرَسْـَٔ	مَدِيْـَٔ	سَدَدْرَسْـَٔ	وَاَسْرَسْرِيْـَٔ
yā	aṣāṭ	hacā	jwāmahī

علت برگزیده شدن پیامبران از جمله اشو زرتشت

از آن جایی که برگزیدن بهترین راه. برای مردم. کار دشواری است. من که زرتشت هستم برای رهبری شما برگزیده شده ام. رهبری که اهورامزدا گواه راستی و درستی گفتار اوست- باشد که همه. برابر آیین مقدس مزدا زندگی کنیم.

پند سوم

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

aṭrācā mainyū dā yaṃ

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

rānōibyā cōiš ašcā

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

urwatəm hyaṭ xšnūtəm

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

mazdā nē taṭ cazdōṅhwadēbyō

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

ṭṭahyā hizwā waocā wīdwanōi

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

jwāntō yā aṅhō

و سغ . و سغ . و سغ . و سغ .

wāurayā wīspēṅ

ماهريت اشو زرتشت از جانب پروردگار

من شما را از پاداش و سزایی که اهورامزدا برای گروه نیکان و بدان مقرر داشته آگاه خواهم ساخت و به شما خواهم گفت سرانجام کسی که به پیروی راه دین مزدا برآید چیست؟ مزدا این ها را از زبان و کلام خود به من آموخت و فرمان داد تا آن را به جهانیان برسانم.

پند چهارم

سرسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
yadā	aṣəm	zəwīm	aṅhən
سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
mazdāscā	ahurāṅhō	ašicā	
سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
ārmaitī	wahištā	išasā	manarhā
سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
maibyō	xšaθrəm	aojŋhwaṭ	
سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
yehyā	wərədā		
سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .	سپسوسد .
wanaēmā	drujəm		

یاری فواستن اشه زرتشت از پورهنگار در انجام این کار بزرگ

بنابر این من از اهورامزدا پیوسته درخواست می کنم. مرا در این کار بزرگ یاری فرماید تا بهترین راه زندگی را به مردم بیاموزم و از نیروی خرد و راستی و عشق الهی. آرزو مندم مرا توانایی بخشند تا بر دروغ پرستان چیره شوم.

بنت پنجم

waocā	wīcidyāi	mōi	taṭ
واو کاسا . وایکیدیای . موی . تات			
dātā	ašā	mōi	hyaṭ
داتا . اشا . موی . هیاٹ			
manañhā	wohū	wīduyē	wahyō
مانانها . وهو . ویدویه . واهو			
yehyā-mā	daidyāi	mēñcā	
یهیا-ما . دایدیای . مینچا			
ahurā	mazdā	tācīṭ	erəṣiṣ
اهرا . مزدا . تایت . اریشیش			
aṇhaṭ	wā	nōiṭ	yā
انهاٹ . وا . نوت . یا			
wā	aṇhaitī		

دنباله یاری فواهی از پروردگار یکتا

**ای مزدا اهورا- در پرتو اشا بهترین راه را به من بنما تا هم
 خود در آن گام بردارم و هم پاداش شادی بخش پیروی از آن را
 به دیگران بیاموزم. مرا نیز از منش پاک برخوردار ساز تا از
 حال و آینده مردمان جهان آگاه شوم.**

پند هفتم

سرمدمم سد.	م سچوم سد.	ل ک د اوردن ک.		
pouruyō	maṇtā	yastā		
م ک س ر ی ن د.	ا ک د ل ک ک ی ن.	س س د ل ا س د.		
x ^w ādrā	rōiṭβən	raocēbiš		
س و د ک.	ل ا د ل ک ک س د.	و چ و د ن د.	م س ی د ک.	
aṣəm	ḍamiš	xraṭβā	hwō	
س س د.	و س ا م د د ی ک.	و ا س ن د ی م د ک.	م س ک.	
manō	wahištəm	dārayaṭ	yā	
م س د.	م س و د س د.	م س د و د ک.	ل ل ی ی د د ک.	
uxšyō	mainyū	mazdā	tā	
م س د.	م س و ا س د.	س س د ک.	م س د ک.	
hāmō	ahurā	nūrēmcīṭ	ā	yē

اهوارمزدا سرپشمه انوار صوری و معنوی است

ای مزدا- ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست. افلاک را با نور خود روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی نظم و هنجار دادی- ای کسی که همواره یکسانی. فروغ ایمان و نور پاک منشی را بر همه ما بتابان.

پند هشتم

مد . وکس . عسوخ . لکاوو .
 pourwīm mēṅghī v̄βā at
 مدوس . سوسو . مدو . مدوس .
 mananḥā stōi yezīm mazdā
 وکس . لکاوو . مدوس .
 mananḥō patarēm wanḥēuš
 مدوس . عسوخ . مدوس .
 cašmainī hēm v̄βā hyaṭ
 عسوخ . مدوس . مدوس .
 dāmīm aṣahyā haiv̄īm hēṅgrabēm
 مدوس . مدوس . مدوس .
 šyaov̄anaēšū ahurēm anḥēuš

فدا آغاز و انجام همه چیزهاست

**ای مزدا- هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشه ژرف
 جست و جو کردم و با دیده دل نگریستم دریافتم که تویی
 سرآغاز و سرانجام همه چیز- تویی سرچشمه خرد و اندیشه. و
 تویی آفریننده راستی و پاکی. و تویی داور نیک کردار
 مردمان جهان.**

پند نهم

مذق . س . ه . م . د . س . س .	ف . ا . م . د . و . د . ا . م . س .
frawarētā	ayā hī aṭ
و . ا . س . د . م . ا . ه . م .	م . د . س . و . د . م . د .
fšuyantəm	ahyāi wāstrīm
م . د . س . و . ا . م .	م . د . س . و . د . م . د .
warḥēuš	ašawanəm ahurəm
ف . س . ی . ا . م . س . و . ا . م .	م . د . س . و . د . م . د .
mazdā	nōiṭ manarḥō fšēnghīm
م . د . و . د . م . د . م . د .	م . د . و . د . م . د .
dawāscinā	awāstryō
م . د . و . د . م . د .	م . د . و . د . م . د .
baxštā	humərətōiš

نیکی پاداش گزینندگان راه نیک و بدی پاداش گزینندگان راه بد است

از این دو راه آن که نیک اندیش و در پیشبرد نیکی کوشاست
راه رستگاری را اختیار کند و آن کسی که بداندیش و کاهل
وطن پرور است. راهی را برمی گزیند که جز از رنج و سختی
بهره ای نخواهد برد.

پنت سپر دهم

وهرسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	وهرسد.
yā	āwīšyā	frasā	yā
واسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
tayā	perəsāitē	mazdā	wā
وهرسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
aēnaṅhō	kasōuš	wā	yē
سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
ayamaitē	mazištām	ā	
سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
ūβisrā	cašmōṅ	tā	būjəm
سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
aibī	ašā	aibī	hārō
سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.	سدر ديس بودسد.
wīspā	waēnahī		

اهورامزدا از همه چیز آگاه است.

اهورامزدا از هر کار آشکار و نهان مردم آگاه است و گناهان کوچک و بزرگ همه را با دیدگان روشن بین خود می بیند و پیوسته همه کارها را برابر قانون ابدی خویش پاداش و جزا می دهد.

پند چهاردهم

مهم-و کوه سد.	ره (ع) دسد.	دسره (ا) سد.	
ahurā	pərəsā	tā-θβā	
سرس-زی.	سد م-ی.	سج سوسه مدم مدم سد.	
jēnghaticā	āiti	yā-zī	
سرس.	دیسو و زی.	وسو و سج م-ی.	وسو (ا) سد سج.
dāθranam	dadəntē	išudō	yā
س مدم سد.	دیسو سد و زی.	سرس مدم سد.	سد سج.
mazdā	yāscā	ašāunō	hacā
و (ع) و زی و زی.	سرس و سد.	م سد.	
tā	yaθā	drəgwōdəbyō	
س دس سج.	س سج و (ع) م سد.	س دس سج.	
hyaṭ	hēnkerətā	aṅhən	

اهورامزدا برای هر کار نیک یا بدی پاداش و جزای مقرر فرموده است

ای اهورا! می خواهم از نتیجه اعمال مردمان چه در گذشته و آینده با خبر شوم و بدانم چگونه در این جهان و جهان دیگر پارسایان و نیکو کاران به اجر و پاداش کردار نیک خود می رسند و چه سان بد کرداران و گمراهان به جزای بد خود گرفتار می شوند.